فرهنگهای فارسی و پیدایش بیشتر آنها در هند

بنیاد زبان فارسی از پهلوی عربی در سده اول اسلام گذاشته شد و در مدت یکصد سال شعر فارسی رشد کرد و بپایه کمال رسید.در سده سوم هجری ابو حفص سغدی بمنظور کمک بتورانیان‏ در فهم دقائق شعر فارسی فرهنگی نوشت که امروز از نام و نشان آن کسی را آگاهی نیست.بلکه‏ جمال الدین حسین انجو در فرهنگ جهانگیری و محمد قاسم سروری در مجمع الفرس که هر دو در اوائل سده یازدهم تالیف شده و شمس الدین قیس رازی در کتاب المعجم فی معاییر اشعار العجم‏ تالیف اوائل قرن هفتم و ابو نصر فارابی در سال موسیقی خود از این کتاب یاد می‏کنند و این تالیف‏ ابو حفص سغدی نخستین فرهنگ فارسی است و نیز نخستین کتاب نثر فارسی بشمار است و کتاب‏ دوم تاج المصار رودکی و سوم ترجمه تاریخ طبری است که در حدود 352 ابو علی محمد بلعمی‏ بحکم امیر منصور سامانی آنرا بپارسی گردانید.

فرهنگ دوم تاج المصادر است که ابو عبد اللّه جعفر بن محمد رودکی متوفی بسال 329 بمنظور حل مشکلات اشعار برای مردم خراسان نوشت و از نسخه آن نیز اطلاعی در دست نیست. سوم لغت فرس تالیف ابو منصور علی بن احمد اسدی طوسی است که در سدهء پنجم میزبسته و در آن‏ اشعار بسیار از استادان سخن مضبوظ است که در جائی دیگر دیده نشده.نام هفتاد و شش تن از شعراء قدیم و نیز بعض اشعار کلیله و دمنه و سند بادنامه گمشده رودکی و بعض اشعار و امق‏ و عذرای گمشده عنصری در آن آمده و در ترتیب لغات ملاحظه حرف آخر شده است.پاول‏هورن‏ خاورشناس آلمانی بسال 1897 مسیحی آنرا چاپ کرده‏[و چاپی دیگر پس از مقابله و تصحیح‏ آقای عباس اقبال بسال 1319 در چاپخانه مجلس خورده است.]

چهارم فرهنگ قطران تالیف حکیم ابو منصر قطران تبریزی معاصر اسدی است.در مقدمه فرهنگ‏ جهانگیری و صحاح الفرس بآن اشاره شده ولی امروز کسی را سراغ نداریم که نسخه‏ای از این‏ فرهنگ را داشته یا دیده باشد.

پنجم صحاح الفرس تالیف محمد هند و شاه منشی غیاث الدین بن رشید الدین فضل اللّه است که‏ از لغت فرس استفاده کرده و از فرهنگ ابو حفص بی‏اطلاع بوده است.

ششم معیار جمالی تالیف شمس الدین محمد فخری اصفهانی است که بسال 745 بنام انجو شاه‏ فارس نوشته و بسال 1885 مسیحی باهتمام کارل زالمان در روسیه بچاپ رسیده است. مؤلف بجای آنکه از استادان سلف شاهد بیاورد اشعار خود را بمناسبت معانی لغات ثبت کرده است.

گوئی از اواخر قرن هشتم ببعد دانشمندان هند بلغات فارسی و اصطلاحات شعری بیش‏ از ایرانیان توجه داشته‏اند زیرا که دوازده فرهنگ مربوط باواخر سده هشتم تا آخر سده دهم در دست است که در هند تالیف شده و در همین مدت دو فرهنگ در ایران تالیف گردیده است مکمل‏ زحمات دلبستگان فارسی در هند همانا تالیف فرهنگ جهانگیری بسال 1017 میباشد.جهانگیری‏ بهترین و جامع‏ترین فرهنگ فارسی است.مؤلف آن جمال الدین حسین انجوی شیرازی یکی‏ از امراء دربار اکبر شاه و فرزند و جانشین او جهانگیر شاه بوده و پنجاه و سه فرهنگ فارسی‏ در دست داشته و در لغات مندرج در آنها و نیز در لغاتی که خود پیدا کرده تحقیق و اجتهاد نموده و تحریفات را دور ریخته است.خود گوید«بسیاری از لغات که در هیج فرهنگی نشانی از آن‏ نبود بهمرسید حل آنرا چاره جز تفحص از اهل دیاری که مصنف یا ناظم از آنجا بوده یا توطن‏ در آنجا داشته نیافتم.مثلا لغاتی که از حدیقه و دیوان حکیم سنائی غزنوی یافته شد از مردمان‏ غزنی و کابل پژوهش نمودم».ترتیب لغات پسندیده نیست حرف دوم هر کلمه را باب و حرف اول‏ را فصل قرار داده است.شاید بهمین جهت کمتر از آنچه شایسته است طرف توجه واقع گردیده‏ بسال 1293 هجری در شهر لکهنو چاپی سراسر غلط از این فرهنگ سودمند انجام یافته است.

در قرن یازدهم و دوازدهم هفده فرهنگ در هند تالیف گردید.از آنجمله است‏ برهان قاطع تالیف محمد حسین متخلص ببرهان که سال ختم تالیفش 1062 میباشد و بترتیب‏ حروف تهجی تنظیم گردیده.هزارها لغت و معنی زائد بر فرهنگهای سلف دارد که بعضی اصیل‏ نیست.این فرهنگ شهرت بسیار یافته و چندین نوبت چاپ شده است.دیگر فرهنگ رشیدی تالیف‏ عبد الرشید الحسینی از مردم سند است که تحقیقات مفیدی در لغات فارسی کرده و حرف اول و دوم‏ بترتیب حروف تهجی است و بسال 1292 در کلکنه چاپ‏سر بی خورده است.دیگر بهار عجم تالیف‏ تیک چند متخلص به بهار است.در 1152 باتمام رسیده و شامل الفاظ مرکب و اصطلاحات فارسی‏ است.بقدری پسند ادباء معاصر او واقع شد که تا 1200 که تاریخ وفات مؤلف است هفت بار بچاپ‏ رسید و پس از آن هم چند بار چاپ سنگی خورده است.

از سده سیزدهم یازده فرهنگ در دست میباشد که یکی از آنها انجمن آراء ناصری‏ تالیف رضا قلی هدایت از رجال نامی سلطنت ناصر الدین شاه قاجار و صاحب تالیفات بسیار دیگر است‏ و بسال 1288 پایان یافته و در همان سال هم چاپ سنگی خورده است.بعض الفاظ جعلی برهان و دساتیر را ضبط کرده و بسیاری لغات تاریخی با تحقیقات زمان خود آورده که قابل استفاده است. ترتیب لغات بحروف تهجی است و تلفظ را بکمک هم‏وزن هر لغت روشن ساخته است.دیگر هفت‏ قلزم تالیف غازی الدین حیدر فرمانروای استان اود واقع در شمال هند است.از 1229 که سال‏ جلوس او بوده تا 1232 آنرا نوشته و قبول محمد نام آنرا مرتب کرده و دیباچه آنرا نگاشته‏ است.این فرهنگ براساس برهان قاطع قرار دارد و دو بار بچاپ سنگی رسیده است.دیگر غیاث اللغات تالیف محمد غیاث الدین رامپوری میباشد که چهارده سال رنج برده و کتاب خود را بسال 1242 بپایان رسانیده است.لغات عربی و اصطلاحات علمی بسیاری در آن مضبوط و حرف اول‏ و دوم هر لغت بترتیب حروف تهجی است.

در ابتدای قرن چهاردهم مفصل‏ترین فرهنگ فارسی بنام آنندراج فرمانروای شهرستان ویجی‏نگر واقع در جنوب هند نوشته شد.مؤلف محمد پادشاه متخلص بشادد بیرراجه آنندراج و مردی‏ دانشمند و شاعر بوده.لغات عربی را از منتهی الارب و منتخب اللغه و صراح و غیاث و فرهنگ‏ فرنک(اشتاینگس یا جانسون)و لغات فارسی را از مؤید الفضلا و بهار عجم و غیاث و انجمن آراء و برهان و هفت قلزم و کشف اللغات و شمس و مصطلحات وارسته با توضیح و شواهد هر یک نقل‏ کرده و بترتیب حروف تهجی در آورده است.از جهانگیری و رشیدی و سراج استفاده نکرده.تاریخ‏ ختم تالیف 1306 است بسال 1307 در شهر لکهنودر 3011 صفحه بزرگ چاپ سنگی خورده است.

دو فرهنگ دیگر بنام آصف اللغات و نقش بدیع در هند و نیز فرهنگ نوبهار و کاتوزیان در ایران چاپ شده است و علاوه بر فرهنگهای یاد شده چهار فرهنگ فارسی بترکی بنام اقنوم عجم‏ و شامل اللغات و قائمه لطف اللّه و لغت نعمت اللّه تالیف قرن نهم و دهم در دست میباشد.

\*\*\* شرح فوق از مقدمه جلد پنجم فرهنگ نظام تالیف علامه آقا محمد علی داعی الاسلام‏ باختصار نقل گردید.این فرهنگ جامع لغات فارسی و لغات عربی مستعمل در فارسی بامر«نظام» حکمران دکن واقع در جنوب هند از سال 1340 تا 1358 قمری تالیف و در همانجا در 5 جلد و 3536 صفحه چاپ سنگی شده است.از فرهنگ جامع مرحوم ناظم الاطباء نفیسی که از«ا»تا«ل» در چهار جلد بطبع رسیده و جلد آخر آن زیر چاپست و نیز از لغت‏نامه آقای علی اکبر دهخدا که‏ چهار جزء آن بتازگی از چاپ در آمده چون هر دو پس از 1318 تاریخ اتمام فرهنگ نظام انتشار یافته یاد نشده است.

اندیشه‏های مارکوس اورلیوس

فقیر آنکسی است که خود را بدیگری نیازمند داند و آن چیز را که لازمهء این زندگی‏ است در خود نداشته باشد.

\*\*\* هر آن‏چیز که بطبیعت پیوستگی دارد بد نتواند بود.

\*\*\* هیچ کاری برخلاف اراده‏ات یا بر علیه جامعه انجام مده و نیز دست بکاری مزن که‏ بدان رغبت نداری یا در موضوع آن تعمق کافی نکرده باشی.